

در جشن با شکوه چهارشنبه سوری
در دانشکده ادبیات آقای دکتر محمد مقدم استاد
زبان‌شناسی دانشکده سخنرانی جالب و مفیدی ایراد
کردند که خلاصه آن در ذیل از نظر خوانندگان
گرامی می‌گذرد.

چهارشنبه سوری

۱

بخش کردن ماه به چهار هفته از روی دگرگون شدن منظم ماه آسمان، از ماه
نو تا ماه پر در دو هفته و سپس کاستن ماه آسمان در دو هفته‌ی آخر ماه، یک امر طبیعی
بوده است. در ایران باستان آغاز روز را در سال خورشیدی از نیمروز، در سال
یزدگردی از بامداد، و در سال مונگی (قمری) از نیمشب می‌گرفتند. در اوستا
اَرَمِ پِش یا رِپِش «نیمروز» است که پِش به معنای «مغز» و «میان» است.
خَشِپ اوستائی «شب» و خَشافند «شام» است که با پِش در فارسی میشود
«شامپت» که به صورت «شنبد» بر وزن مسجد ضبط شده و سپس به صورت «شنبه»
در آمده است. پس معنای شنبه «نیمشب» است که آغاز روز در ماه مونگی و آغاز
هفته است.

سوری به معنای سرخ است که بمناسبت افروختن آتش آن شب را شب چهار
شنبه سوری خوانده‌اند.

۲

خاستگاه چهارشنبه سوری مانند بسیاری دیگر از مشکلات تاریخی ایران
باستان پوشیده بود تا آنکه بهروز در بررسیهای خود آن را روشن کرد. (نگاه کنید به
ذ. بهروز، تقویم و تاریخ در ایران، از رصد زردشت تا رصد خیام، زمان مهر و مانی،
تهران ۱۳۳۱، شماره ۱۵ ایران کوده). اکنون میدانیم که شب چهارشنبه سوری جشنی
است که مانند بیشتر جشنهای ایرانی که با ستاره‌شناسی بستگی دارند مبدأ مهمی
حسابهای علمی تقویمی است. در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد، زردشت

بزرگترین حساب گاه شماری جهان را نموده، کبیسه پدید آورده، و تاریخهای کهن را درست و منظم کرده است. امسال که جشن چهارشنبه سوری میگیریم سه هزار و شصت و هشتاد و سومین باریست که این جشن در ایران گرفته میشود.

۳

هیچ پیشامدی نمیتواند مبدأ درست تاریخ گذاری باشد مگر با يك حساب ستاره شناسی بستگی داشته باشد. برای نمونه، در سال میلاد عیسی که اکنون مبدأ تاریخ گذاری در اروپا است، اختلاف بسیار است و این اختلاف از سه چهار سال بنظر تاریخ نویسان و حسابگران اروپائی وجود دارد تاخیلی بیشتر. بدست آوردن يك مبدأ علمی تاریخ گذاری تنها يك راه دارد و آن این است که يك نقطه آسمانی با يك نقطه زمینی میزان شود و يك مبدأ تاریخ ثابت و دقیق بدست دهد. چنین حسابی رازردشت در ۱۷۲۵ پیش از میلاد روز سه شنبه ای که ظهر آن روز به افق نیمروز (زابلستان) انتقال نقطه ای اعتدال از برج ثور به برج حمل (از شاخی به شاخی)، و غرّ می ماه رمضان بوده، در سال موش، و سال چهار و سوم از هزاره ی دهم، انجام داده است. این تنها مبدأ تاریخ گذاری علمی و دقیق در جهان است، و از آن روز تا امروز تقویم روز شمار داریم و تمام حسابها از روی آن مبدأ درست و منظم است.

سه شنبه ای که تحویل سال ظهر آن روز بوده، نیمه ی صبح آن جزو سال پیش به شمار می آمده، و نیمه ی پس از ظهرش جزو سال نو بوده، که با حساب آغاز روز از نیم شب، چهار شنبه ی فردای آن روز نوروز و اول سال بوده و شب چهارشنبه را به این مناسبت جشن گرفته و آتش روشن کرده اند و شب چهارشنبه سوری شده است.

۴

نیمروز که ترجمه ی عربی و لاتین آن «نصف النهار» و *meridianus* است، نصف النهاری بوده که این حسابها بر پایه ی آن استوار است، و نام آن به آن سرزمین داده شده است. این سرزمین نیز زابل یا زاوول خوانده میشود. در اوستا ازیر به معنای بیرون رفتن و دور شدن (آفتاب) است که از نیمروز آغاز میشود، و واژه های «ظهر»

و «زوال» از آن می آید. (منتهی الارب: ظهر پس از زوال آفتاب است. زالت الشمس مایل گردید از میانه‌ی آسمان، و زال زائل الظل ایستاد نصف النهار. و مزوله نیز ساعت آفتابی است.)

نیمروز (نصف النهار زاول) درست در میان خشکی جهان باستان بوده، به این معنا که هر وقت در نیمروز ظهر است همه جای جهان باستان روز است، یا پیش از ظهر یا پس از ظهر؛ برای نمونه، ظهر سه‌شنبه‌ی مبدأ حسابها در سراسر جهان باستان سه‌شنبه بوده، و این تنها نقطه‌ایست که این خاصیت را دارد. روی این نیمروز در عرض ۳۳° ۵' درجه‌ی شمالی رصد خانه‌ای بوده است. عرض ۳۳° ۵' درجه را از برای این برگزیده بودند که نه فقط از حیث طول بلکه از حیث عرض هم رصدخانه درست در میان آبادانی جهان باستان قرار گیرد. زیرا تا ۶۷° درجه‌ی شمالی روی کره‌ی زمین آبادانی بوده است. (خط قطبی در ۶۶° درجه و ۷۰ دقیقه عرض شمالی است.) این رصدخانه، که تعیین نقطه‌ی آن در آن روز گزار از شگفتیهای جهان است، به نام «جاودان کث» یا «کنگ دژ» یا «بهشت کنگ» بوده و آن را «قبة الارض» خوانده‌اند. (در باره‌ی نسخه‌ها «قبة الازین» و «قبة الارین» آمده، که الازین باید الازیر، «ازیر» اوستائی، و الارین تصحیف دیگری از آن، و شاید الارض تصحیف سومی آن باشد.) به دلیلهائی که یادآوری آنها از گنجایش این مختصر بیرون است، و برای اینکه بتوانند حسابهای باستانی را نسبت به آسانی به نقطه‌ی دیگری بکشانند، رصدخانه‌ی اصلی را در جزیره‌ی خالادات که ترجمه‌ی «جاودان کث» است، درست ۹۰° درجه به غرب نیمروز جاودان کث، تصور نمودند، و برای رفع مشکل شش ساعت فرقی که با این انتقال در مبدأ حسابها پیدا میشود دست‌بدامن معجزه‌های برگرداندن آفتاب شدند.

جزیره‌ی خالادات با جزیره‌ی های سعادت (Fortunatae Insulae)، که جزیره‌ی های کاناری گرفته شده، درهم آمیخته شده است. خالادات که بنا بر نوشته‌های کهن در آن خاندانهائی از ستاره شناسان از مجوسهای نصارا (پیروان دین مهر

یامسیحای ایرانی) زندگی میکردند، در ۹۰ درجه غرب نیمروز زابلستان بوده و فقط در مورد جزیره های ازر **Azores** صدق میکند، و نام «ازر» باید یاد آوری از «ازیر» اوستائی باشد، که در آنجا رصدخانهی فرعی برای تنظیم حسابها با رصد خانهی اصلی نیمروز برپا شده بوده است.

در زمان دیگری، همراه با رفتن دین مهر بد جزیره ی انگلیس، ستاره شناسان رصدخانهی فرعی دیگری در نیمروز لندن (نیمروز گرینویچ کنونی) که درست ۶۰ درجه در غرب کنگدژ اصلی است برپا نمودند که واژه ی **Cockney** (با قلب کاف و نون) بازمانده ی «کنگی» و یاد آورنده ی کنگدژ لندن است

۵

در رصدخانهی کنگدژ یا جاوردان کث زردشت، که دانش ستاره شناسی او زبانزد سراسر جهان باستان بود، زمانی که ۲۵ سال و ۵ روز داشت، حسابهای گذشته را درست و منظم کرد و پایه ی حسابهای آینده را استوار نمود. زایش زردشت روز دو شنبه ی پنجم بهمن ماه خورشیدی، برابر با ۲۰ ربیع الاول، سال ۱۷۶۸ پیش از میلاد بوده، و در ۷۷ سالگی در سال سی و پنجم رصد جهان را بدرود گفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی